



## درس فارق فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مقدمات - امر ششم: بررسی تقیید استحباب نکاح به واحده - دلیل بر عدم تقیید

مصادف با: ۵ صفر ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۱۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله استحباب تعدد نکاح بود؛ عرض شد به چند دلیل برای اثبات استحباب تمسک شده است. دلیل اول، کتاب بود که معلوم شد دلالت بر استحباب تعدد ندارد. دلیل دوم، سیره معصومین (ع) بود که آن هم استحباب تعدد به نحو اطلاق را ثابت نمی‌کند. عرض شد آنچه از سیره معصومین (ع) استفاده می‌شود، آن است که تعدد زوجات در یک شرایط خاصی رجحان دارد؛ اما اینکه به نحو مطلق بتوانیم تعدد زوجات را اثبات کنیم، قابل اثبات نیست.

### دلیل سوم

دلیل سوم، طوایفی است که از قول معصومین (ع) درباره نکاح و ازدواج مطالبی بیان کرده اند. یک روایت را در جلسه قبل خواندیم؛

### طایفه اول

روایتی از امیرالمؤمنین (ع) در حدیث اربعمائه وارد شده است. گفتیم این روایت دو بخش دارد؛ طبق یک احتمال هر دو بخش آن چه بسا قابل استدلال باشد؛ یکی اینکه فرمود: «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِیجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِیجَ». مستدل با توجه به اطلاق این کلام امیرالمؤمنین (ع)، می‌گوید: این هم شامل واحده می‌شود و هم شامل اکثر من واحده؛ لذا اطلاق این بیان می‌تواند استحباب تعدد نکاح را اثبات کند. بخش دوم، آن جمله ای است که حضرت در ادامه فرموده: «وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا». تقریب استدلال به بخش دوم این است که این ظاهر در آن است که کثرت نفوس مسلمین فی نفسه مطلوب است، چون چیزی است که فردای قیامت پیامبر (ص) به واسطه این امر نسبت به سایر امت‌ها فخر و مباهات می‌کند و مایه آبروی پیامبر است. این نشان می‌دهد که مسأله تکثیر نفوس مسلمین، یک مطلوبیت نفسی دارد و از آنجا که نکاح باعث و سبب تکثیر است و قطعاً تعدد زوجات در تحقق این مطلوبیت نفسی مؤثر است، لذا این هم به نوعی دلالت بر استحباب تعدد زوجات می‌کند.

معلوم است که نحوه دلالت بخش اول با کیفیت دلالت بخش دوم متفاوت است. در بخش اول مستدل با تمسک به اطلاق این روایت، در صدد اثبات استحباب تعدد زوجات است. در بخش دوم کأن استحباب نکاح از طریق یک امر دیگری ثابت می‌شود. بنابراین استحباب نکاح معلق و منوط به این است که از نکاح قصد ولد شود. اگر کسی زوجات متعدده اختیار کند اما قصد او از اختیار زوجات متعدده، ولد نباشد، مشمول این بخش از کلام امیرالمؤمنین (ع) نمی‌شود. پس باید بگوییم کأن بر اساس ظاهر امر به طلب ولد، استحباب نکاح دیگر استحباب نفسی نیست و نکاح مطلوبیت نفسی ندارد بلکه مطلوبیت

غیری پیدا می‌کند. یعنی چون سبب برای تکثیر نفوس مسلمین است و آن مطلوبیت نفسیه دارد، پس نکاح به عنوان اینکه مقدمه تحقق آن مستحب نفسی است، تعدد زوجات استحباب پیدا می‌کند. این مبتنی بر آن است که ما مقدمه مستحب را نیز مستحب بدانیم؛ چون فرض این است که طبق ظاهر بخش دوم، آنچه که مطلوب و مقصود است، تکثیر نفوس مسلمین است.

### بررسی روایت اول

علی‌ای حال این روایت مورد استدلال و استناد قرار گرفته است. بخش اول که امر به نکاح و ازدواج می‌کند و می‌گوید «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص)»، اطلاق این عبارت مورد استناد قرار گرفته است. ما این را در ضمن بحث از روایات مطلقه که اشاره خواهیم کرد، مورد رسیدگی قرار خواهیم داد.

بخش دوم را هم ملاحظه فرمودید؛ از آن استفاده می‌شود که تعدد زوجات به شرط طلب ولد مستحب است و اثبات نمی‌کند که تزویج مطلقاً استحباب دارد. استحباب تعدد به نحو مطلق از بخش دوم استفاده نمی‌شود. نتیجه آن است که اگر ما تعدد نکاح را به این سبب مستحب بدانیم، دیگر فرقی بین واحده و اکثر من الواحد نیست. یعنی اگر کسی ازدواج کند - ولو با یک همسر ازدواج کند - و قصد او طلب ولد نباشد، قاعدتاً باید بگوییم مستحب نیست.

ولی در مورد نکاح واحده یک نکته‌ای وجود دارد که آن را از تعدد زوجات متفاوت می‌کند و آن اینکه نکاح فی نفسه فواید و منفعی دارد که یکی از آن‌ها تکثیر و بقای نسل است؛ اما منافع دیگر آن چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی ولو قصد ولد و بچه دار شدن نباشد، این منافع وجود دارد. لذا نباید نکاح با یک زن را با زوجات متعدده مقایسه کرد. لذا استحباب اصل نکاح به نحو مطلق ثابت است ولو اینکه قصد ولد نباشد. پس قیاس زوجات متعدده با اصل نکاح، قیاس مع الفارق است.

خلاصه آنکه این مطلب از این روایت به نحو مطلق بدست نمی‌آید. چون اگر خواهیم به اطلاق این روایت تمسک کنیم، در زمره روایات مطلقه پاسخش را خواهیم داد. اگر هم به آن بخش دوم استناد کنیم، عرض شد که این بخش استحباب تعدد را به نحو مطلق ثابت نمی‌کند؛ نهایت این است که تعدد زوجات را به قصد بچه دار شدن ثابت می‌کند. یعنی اگر کسی قصد بچه دار شدن نداشته باشد، تعدد زوجات برای او مستحب نیست.

### احتمال دیگر در روایت اول

البته بعید نیست که ما اساساً این روایت را دو بخش ندانیم و بگوییم مجموع این روایت یک مطلب را می‌گوید نه اینکه دو بخش باشد که ما خواهیم به هر دو بخش استدلال کنیم. بدین بیان که:

این روایت امر به نکاح کرده و نکاح را به عنوان سنت رسول خدا معرفی کرده است؛ بعد از قول پیامبر (ص) فرموده: هر کسی که دوست دارد از سنت من تبعیت کند، بداند که سنت من ازدواج است. این یک استحباب واضح و روشن برای نکاح ثابت می‌کند. بعد پیامبر (ص) یک توصیه‌ای کردند، نه اینکه منظور این باشد که برای این نکاح کنید؛ اشاره به یکی از منافع و فواید نکاح کرده‌اند. ازدواج کنید، این سنت من است؛ هر کسی دوست دارد از سنت من تبعیت کند، ازدواج کند و بعد بچه دار شوید که من در روز قیامت به کثرت امت خودم به سایر امم افتخار و مباهات کنم.

طبق این احتمال این در واقع یک امری جدا از امر اول نیست؛ این دنباله امر اول و تبیین یکی از مهم ترین آثار و منافع ازدواج و نکاح است. اگر این را بگوییم، این روایت یک بخش دارد و آن هم امر به نکاح و توصیه به پیروی از پیامبر (ص) در این امر است. آنگاه تنها راه استدلال به این روایت، همان اطلاق است؛ تزویج و نکاح، سنت پیامبر است و این هم اعم است و فرقی نمی کند که نکاح اول باشد یا متعدد؛ همه را در برمی گیرد و مطلقاً سنت پیامبر محسوب می شود. عرض کردیم که اگر این باشد، این روایت جزء روایات مطلقه قرار می گیرد.

#### خلاصه استدلال به روایت اول

پس نتیجه بحث در مورد این روایت این شد که دو احتمال در این روایت هست:

یک احتمال اینکه این روایت مجموعاً یک مطلب را می خواهد بیان کند و یک بخش بیشتر ندارد و آن اینکه بیان کند ازدواج سنت پیامبر (ص) و مستحب است. آنچه که در ذیل هم آمده، بیان یکی از مهم ترین آثار و منافع نکاح است. عرض کردیم که اگر این باشد که مستدل صرفاً بخواهد به اطلاق «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص)» تمسک کند و از این راه استحباب تعدد زوجات را ثابت کند، این جزء روایات مطلقه قرار می گیرد که به نظر ما نمی تواند استحباب را به نحو کلی ثابت کند.

احتمال دوم هم اینکه به طور کلی این روایت دو بخش داشته باشد و جداگانه به این دو فقره نگاه شود. فقره اولی همین جمله «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص)» است که به اطلاق آن تمسک می شود تا استحباب تعدد زوجات ثابت شود. فقره ثانیه جمله «وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ» است که نهایتاً با آن جمله می خواهند استحباب تعدد نکاح را ثابت کنند، چون تعدد زوجات یک عامل مهم در تولید مثل و تکثیر نفوس است. عرض کردیم که اگر این فقره به این بیان مورد استناد قرار گیرد، نهایت آن است که استحباب غیر برای تعدد زوجات ثابت می کند و نه یک استحباب نفسی که مورد بحث و موضوع مورد گفتگوی ماست.

#### طایفه دوم

چند روایت با این مضمون وارد شده که از آن استفاده می شود نکاح کنید تا قائل به «لا اله الا الله» زیاد شود. یعنی روایاتی که دلالت می کند بر مطلوبیت کثرت قائل به «لا اله الا الله». در روایت دارد امام (ع) خطاب به شخصی فرمود: آیا نمی خواهید قائل به لا اله الا الله زیاد شود؟ عرض کرد: بله. حضرت فرمود: ازدواج کنید. از این روایات همان طور که استحباب اصل نکاح استفاده می شود، استحباب تعدد هم استفاده می شود. چون تعدد زوجات یک عامل و سبب بسیار مهم و مؤثر در تکثیر قائل به لا اله الا الله است. این روایات قبلاً هم مورد اشاره قرار گرفت، از جمله روایاتی که دلالت بر استحباب اصل نکاح می کنند، همین روایات است.

#### بررسی طایفه دوم

اگر مقصود از نکاح، تکثیر قائل به لا اله الا الله باشد، قهراً در صورتی تعدد زوجات مستحب است که از نکاح اراده ولد شود. اگر کسی قصد این را ندارد که بچه دار شود، قهراً دیگر استحباب ثابت نمی شود؛ مثل آنچه که در روایت قبلی گفتیم، یعنی طبق این بیان، تعدد نکاح یا خود نکاح یک مطلوبیت غیر پیدا می کند و استحباب نفسی تعدد از این روایت بدست نمی آید.

مهم‌ترین دلیل برای اثبات استحباب تعدد، روایات مطلقه است؛ یعنی روایاتی که دال بر استحباب نکاح است. روایات متعددی داریم که به زبان‌های مختلف وارد شده و از آن‌ها استحباب اصل نکاح استفاده می‌شود. منتهی در برخی از این روایات، به خصوص در مورد استحباب نکاح برای عزاب سخن به میان آمده است؛ مستحب است که زن مجرد و مرد مجرد ازدواج کنند. معلوم است که اساساً اطلاقی در اینها نیست تا ما بخواهیم به اطلاق آن تمسک کنیم. به خصوص این روایت که «شرار امتی العزاب»، این اطلاق ندارد؛ با اینکه این روایت دلالت بر مذمت عزوبت می‌کند و استحباب نکاح از آن استفاده می‌شود، اما بر استحباب تعدد دلالت ندارد. لذا برخی از روایاتی که دلالت بر استحباب اصل نکاح می‌کنند، قطعاً نمی‌توانند اینجا مورد استفاده قرار گیرند؛ چون آن‌ها استحباب نکاح را بخصوص برای عزب‌ها بیان کرده‌اند.

اما یک سری روایات هستند که یا به صورت مطلق بیان شده‌اند، مثل روایت «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی»، این کاری به عزب و غیر عزب ندارد؛ مرد زن دار و غیر مرد زن دار را نمی‌گوید؛ بلکه در آنها نکاح به عنوان سنت رسول خدا معرفی شده و مردم را به نکاح ترغیب می‌کند.

یک سری روایات هم ممکن است در مورد عزب‌ها وارد شده باشد، اما در آن‌ها یک بیان و تعلیلی ذکر شده که شامل تعدد زوجات هم می‌شود.

به هر حال قطعاً تعداد زیادی از روایات، مبین استحباب نکاح به صورت مطلق هستند. وقتی می‌گویند نکاح سنت رسول خداست، آیا مقید به قید واحده شده؟ آیا فقط نکاح با یک زن سنت رسول خداست یا اساساً جنس نکاح، سنت رسول خداست. اینکه در روایات دال بر استحباب نکاح قیدی ذکر نشده و مقید به واحده نشده، استفاده می‌شود که اصل نکاح استحباب دارد و لافرق فی ذلک بین الواحده و المتعدده؛ این استحباب مطلق است و به حسب روایات شامل تعدد زوجات نیز می‌شود. یعنی همانطور که اختیار همسر اول مستحب است، زن دوم و سوم و چهارم گرفتن نیز مستحب است.

سؤال:

استاد: دروغ‌سازی و شایعه‌سازی و پراکنده کردن این امور، اینها یک سابقه تاریخی دارد؛ بنی امیه متخصص این کار بودند. راجع به امام حسن (ع) یکی از اموری که در تاریخ وارد شده، این است که حضرت خیلی زن می‌گرفت و طلاق می‌داد. حتی تا ۳۰۰ - ۴۰۰ زن برای امام مجتبی (ع) نوشته‌اند. در بعضی منابع تاریخی آمده که ریشه روایاتی که درباره امام مجتبی (ع) این مطالب را مطرح کرده‌اند، به چهار نفر برمی‌گردد که در هر چهار نفر شبهه است. برخی از اینها از عوامل بنی امیه بودند. این روایات و گزارشات تاریخی در کتب تاریخی داخل شده است. الان در بعضی از کتاب‌های تاریخی یک چنین چیزی را راجع به امام مجتبی (ع) نوشته‌اند. چقدر ذهن‌ها با این خراب می‌شود؛ چقدر را می‌توانی جواب دهی؟ این قبلاً بوده؛ الان هم هست؛ آینده هم خواهد بود و بدتر هم می‌شود. عرض من این است که بالاخره اینها جنگ رسانه‌ای و نزاع در عرصه تبلیغات میدانی است، به هر حال وقتی آن ابزارهای قوی در اختیار بنی امیه بود، همان طور که چهره امیرالمؤمنین (ع) را آن طور مخدوش می‌کردند، چهره امام مجتبی (ع) را هم اینطور مخدوش کردند. متخصص‌ترین و قوی‌ترین آن‌ها در عرصه تبلیغات سوء و تخریب، بنی امیه بودند. این‌ها چه بودند و چه کردند؛ اصلاً بزرگترین تخریب‌گران

تاریخ اسلام اینها هستند و به نظر من همه کسانی که بعد از آنها آمدند، هنوز پیش آنها باید شاگردی کنند. در دنیا هم الان همین طور است؛ امپراتوری‌های رسانه‌ای که صهیونیست‌ها آن را اداره می‌کنند؛ شبکه‌های تلویزیونی، رسانه‌های مکتوب و شبکه‌های فضای مجازی کارشان همین است. اصلاً عجیب است که یک دفعه یک فضایی درست کنند و اتفاقی بیفتد. آن چنان افکار عمومی دنیا را تحت بمباران تبلیغاتی قرار می‌دهند که همه را به این نتیجه برسانند که این کار باید بشود. مثل آنچه که در حمله آمریکا به عراق اتفاق افتاد یا در مورد خیلی از چیزهای دیگر. متأسفانه در داخل هم برخی که تازه این راه و رسم امپراتوری‌های رسانه‌ای را یاد گرفته‌اند، در همین مسیر قدم گذاشته‌اند. البته این نقص در همه سلیقه‌های سیاسی هست و فقط مربوط به یک طرف نیست. عمده این است که گاهی به نام وظیفه دینی و احساس تکلیف این کارها را می‌کنند. امروز احساس تکلیف می‌کنند که هر طور که هست کسی را له کنند؛ یک دفعه همه با هم و خیلی هم حرفه‌ای عمل می‌کنند.

به هر حال ملاحظه فرمودید همه چیز برای استحباب تعدد، به روایات مطلقه ختم شد. آیه که دلالت نداشت، سیره معصومین فی الجمله می‌تواند استحباب تعدد را ثابت کند، حداقل این است که دلیل لَبِّي است و از دلیل لَبِّي نمی‌توانیم اطلاق‌گیری کنیم. پس تنها تکیه‌گاه قائلین به استحباب تعدد زوجات، این روایات مطلقه است؛ یعنی روایاتی که به نحو مطلق گفته‌اند نکاح مستحب است؛ اعم از اینکه شامل واحده و متعدده می‌شود. آیا اینها دلالت دارد بر استحباب نکاح یا نه؛ این را فردا باید پاسخ دهیم.

«الحمد لله رب العالمین»